

بررسی تفاوت‌های جنسیتی در میزان رضایت‌مندی از تصویر بدن

محمد اسماعیل ریاحی*

چکیده: هدف اساسی پژوهش حاضر توصیف تفاوت‌های جنسیتی در رضایت‌مندی از تصویر بدن و تبیین اثرات برخی از عوامل اجتماعی- روانی بر آن است. تحقیق با روش پیمایشی انجام شده و داده‌های مورد نیاز از طریق پرسشنامه محقق‌ساخته گردآوری گردید. جامعه آماری تحقیق حاضر، تمامی دانشجویان دانشگاه مازندران بوده‌اند که در مجموع، ۳۶۰ نفر از آنان، از طریق روش نمونه‌گیری در دسترس، به عنوان نمونه نهایی تحقیق انتخاب گردیدند. نتایج توصیفی تحقیق، حاکی از وجود تفاوت جنسیتی معناداری در رضایت‌مندی از تصویر بدن می‌باشد؛ بدین معنی که زنان یا مردان نارضایتی بیشتری از تصویر بدنشان گزارش کرده‌اند. نتایج تحلیلی تحقیق، حاکی از آن است که متغیرهای سرمایه‌گذاری بدن، شرم از بدن، پایش بدن و عزت نفس توانسته‌اند به طور معناداری رضایت‌مندی از تصویر بدن در بین کل پاسخ‌گویان پیش‌بینی نمایند. با این حال، تفاوت جنسیتی معناداری در تأثیرگذاری متغیر شرم از بدن مشاهده شده است. بدین معنی که علاوه بر سرمایه‌گذاری بدن و عزت نفس، متغیر شرم از بدن به عنوان بخشی از متغیر خود شی‌انگاری، پیش‌بینی کننده‌ی میزان رضایت‌مندی از بدن در بین زنان (و نه مردان) بوده است که حاکی از اثرات شدیدتر انتظارات اجتماعی راجع به بدن ایده‌آل بر روی زنان و درونی کردن آن در مقایسه با مردان می‌باشد. همچنین تفاوت جنسیتی معناداری در میزان سرمایه‌گذاری بدن مشاهده شده است که نشان می‌دهد زنان جوان در مقایسه با مردان سرمایه‌گذاری بیشتری بر بدن خود انجام داده و با شدت بیشتری درگیر رفتارهای آراستن و مدیریت ظاهرشان هستند. در نهایت، دانشجویانی که از عزت نفس بالاتری برخوردار بودند، رضایت‌مندی بیشتری از تصویر بدنشان گزارش کرده‌اند.

واژگان کلیدی: تصویر بدن، سرمایه‌گذاری بدن، شی‌انگاری بدن، شرم از بدن، پایش بدن، عزت نفس، تفاوت جنسیتی.

مقدمه و بیان مسأله

بدن، تجسم و تبلور شرایط اجتماعی‌ای است که فرد را احاطه کرده است. این شرایط اجتماعی تعیین می‌کنند که یک فرد، خود جسمانی‌اش را چگونه ادراک کرده و چه تصویری از بدنش در ذهن داشته باشد. از این رو، تصویر بدن^۱ را می‌توان یک نگرش چند بعدی^۲ راجع به بدن خود، به ویژه شکل، اندازه و زیبایی آن تعریف کرد (کش و همکاران، ۱۹۹۷؛ ۴۳۳). به عبارت دیگر، تصویر بدن به ادراکات، احساسات و افکار یک شخص راجع به بدنش اطلاق می‌گردد و معمولاً به عنوان سازه‌ای متشکل از برآورد اندازه‌ی بدن، ارزیابی از جذابیت بدن و احساسات مربوط به اندازه و شکل بدن مفهوم سازی می‌شود (گروگان، ۱۹۹۹؛ موث و کش، ۱۹۹۷). تصویر بدن به لحاظ نظری، معمولاً بر حسب پیچیدگی و چند بعدی بودن آن توصیف می‌شود و نیز به عنوان یک تجربه انسانی هشیار و ناهشیار که توسط عوامل تاریخی، فرهنگی، اجتماعی، فردی و زیستی شکل می‌گیرند. پژوهشگران (براون، کش، و میکولکا، ۱۹۹۰؛ کش، ملنیک، و هاربوسکی، ۲۰۰۴؛ موث و کش، ۱۹۹۷) تصویر بدن را یک سازه‌ی چند بعدی متشکل از ابعاد شناختی^۳، رفتاری^۴ و عاطفی/ ارزشیابانه^۵ می‌دانند (آبوت و باربر، ۲۰۱۰؛ ۲۲). این مفهوم توسط برخی پژوهشگران بر حسب عوامل ادراکی^۶ و توسط دیگران بر حسب عوامل نگرشی^۷ تعریف عملیاتی شده است (کش، ۲۰۰۲). بعد ادراکی به این نکته اشاره دارد که ما چگونه اندازه، شکل، وزن، سیما، حرکات و عملکرد بدنمان را ادراک می‌کنیم؛ در حالی که بعد نگرشی به این موضوع توجه دارد که ما درباره خصوصیات و ویژگی‌های بدنی خود چه احساسی داریم و این احساسات، چگونه به رفتارهای ما جهت می‌دهند (رود و لنون، ۲۰۰۰؛ ۱۵۳). بعد نگرشی تصویر بدن، خود از دو عنصر مجزای ارزشیابی و سرمایه‌گذاری بدن تشکیل شده است؛ عنصر ارزشیابانه به رضایت فرد از ظاهر خود و عنصر سرمایه‌گذاری به اهمیت ظاهر فرد اشاره دارند (کش، ۲۰۰۲). در مطالعه‌ی سازه‌ی تصویر بدن، سنجش ابعاد عاطفی، شناختی و رفتاری به طور مجزا، این امکان را به پژوهشگران می‌دهد تا به پیچیدگی مفهوم تصویر بدن پی ببرند.

1. Body Image
2. Multidimensional Attitude
3. Cognitive Component
4. Behavioral Component
5. Affective/Evaluative Component
6. Perceptual Factors
7. Attitudinal Factors

بررسی تفاوت‌های جنسیتی در میزان رضایت‌مندی از تصویر بدن ۷

با این حال، پژوهش‌گران تمایل دارند تا مطالعات خود را عمدتاً بر جنبه‌های منفی بدن، نظیر ناراضایتی از بدن متمرکز نمایند (تیگه مان، ۲۰۰۴). پژوهش‌های انجام شده از دهه هشتاد میلادی در جوامع غربی، حاکی از شیوع و گستردگی میزان ناراضایتی از ظاهر فیزیکی - که همان ناراضایتی از تصویر بدن نامیده می‌شود- در بین نوجوانان، جوانان و بزرگسالان بوده است (کش و گرین، ۱۹۸۶). آنچه که به عنوان بدن ایده‌آل برای زنان در جوامع غربی تبلیغ می‌شود، باریک اندامی است، در حالی که برخورداری از یک بدن عضلانی، برای مردان تبلیغ می‌گردد (ریکاردلی و مک کاب، ۲۰۰۴). این تصاویر تبلیغ شده از بدن‌های ایده‌آل مردانه و زنانه، در طی فرآیند جامعه‌پذیری توسط افراد جامعه درونی می‌گردد و آنان را به تلاش وامی‌دارد تا بدان دست یابند. اما ناتوانی بخش قابل توجهی از مردان و زنان در دستیابی به بدن ایده‌آل تجویز شده در فرهنگ غربی، منجر به افزایش شدید ناراضایتی از بدن و در نتیجه ابتلای آنان به انواع بیماری‌ها و آسیب‌های جسمی، روانی و اجتماعی گردیده است. گرچه اکثر مطالعات مربوط به ناراضایتی از تصویر بدن، در بین زنان انجام شده و حاکی از شیوع میزان بالای ناراضایتی از بدن، اختلالات تغذیه و نیز پیامدهای زیان‌بار آن بر سلامتی زنان می‌باشد (نقل در؛ بایلی و ریکاردلی، ۲۰۱۰؛ ۱۰۷)؛ اما ناراضایتی از بدن، پدیده‌ای نیست که صرفاً توسط زنان گزارش شده باشد. پژوهش‌های اخیر حاکی از شیوع میزان بالایی از ناراضایتی از تصویر بدن در بین مردان جوان و نیز استفاده آنان از مجموعه‌ای از روش‌های تغییر و مدیریت بدن برای بهبود و اصلاح تصویر بدنشان می‌باشد.

بررسی اجمالی پژوهش‌های انجام شده در زمینه تصویر بدن، نشان می‌دهد که حجم پژوهش‌های انجام شده راجع به ناراضایتی از بدن در بین زنان، به مراتب بیشتر از تحقیقات مشابه در بین مردان بوده است (باردون کُنه و همکاران، ۲۰۰۸؛ ۱۸۳). سه دلیل عمده در این سوگیری جنسیتی ذکر شده است: نخست این که پژوهش‌های مربوط به تصویر بدن، ریشه در روانشناسی بالینی و روانکاوی دارند که عمدتاً بر موضوع اختلالات تغذیه در بین زنان جوان متمرکز شده است (اوروباخ، ۱۹۹۳)، دوم این که تا دو دهه قبل، فرض بر این بود که مردان از مشکلات مربوط به ناراضایتی از بدن به‌طور جدی رنج نمی‌برند (اسمولک و استین، ۲۰۰۶) و سوم آن که در شکل‌دهی به هویت اجتماعی افراد، جامعه تأکید بیشتری بر ظاهر و زیبایی زنان در مقایسه با مردان دارد؛ بدین ترتیب زنان اغلب از طریق جذابیت جسمی و ظاهری‌شان ارزیابی می‌شوند تا توانایی‌ها و موفقیت‌های فردی و اجتماعی‌شان (جونگ و لنون، ۲۰۰۳؛ ۲۷). گرچه تحقیقات انجام شده در زمینه تصویر بدن، عمدتاً بر نگرانی‌های زنان در باره بدن‌هایشان به عنوان یک مسأله

اجتماعی متمرکز شده‌اند، اما رشد تحقیقات انجام شده راجع به تصویر بدن مردان در دو دهه اخیر، زمینه مناسبی برای کشف تفاوت‌های جنسیتی در تصویر بدن را فراهم نموده است.

اعتقاد بر این است که تصویر بدن پدیده‌ای متأثر از جنسیت است؛ بدین معنی که مردان و زنان به گونه‌ای اجتماعی می‌شوند تا بدن‌هایشان را به طور متفاوتی ادراک نموده و ایده‌آل‌ها و ویژگی‌های جسمی متفاوتی را ارزشمند بدانند. فرانزویی (۱۹۹۵؛ ۴۱۷) بر این باور است که زنان به گونه‌ای اجتماعی می‌شوند تا بدن‌هایشان را به عنوان کالایی متمایز ادراک نمایند که دیگران آن را به لحاظ زیبایی شناختی، مورد قضاوت و ارزیابی قرار می‌دهند. در مقابل، مردان به گونه‌ای اجتماعی می‌شوند تا بدن‌هایشان را به عنوان یک فرآیند پویا^۱ ادراک نمایند که در آن، عملکرد و توانایی بدنی، مهم‌تر از زیبایی بدن می‌باشد. میتنز و کاشوبک (۱۹۹۹) دریافتند که زنان در مقایسه با مردان، تصویر بدن منفی‌تری از خود دارند و به همین دلیل، پیامدهای جسمی و روانی خطرناک‌تری را نیز تجربه می‌کنند. روی هم رفته، شاید بتوان مهم‌ترین تفاوت‌های جنسیتی در تصویر بدن را به شرح زیر دسته‌بندی نمود:

تفاوت‌های جنسیتی در ابعاد نگرشی تصویر بدن

تفاوت‌های جنسیتی معناداری در زمینه هر دو عنصر نگرشی تصویر بدن وجود دارد، بدین معنی که علی‌رغم سرمایه‌گذاری بیشتر بر روی بدن در بین دختران و زنان در مقایسه با پسران و مردان (براون و همکاران، ۱۹۹۰؛ کش و همکاران، ۲۰۰۴)، اما میزان رضایت از تصویر بدن در بین آن‌ها کمتر است (نقل در؛ هارگرویز و تیگه مان، ۲۰۰۶؛ ۵۶۸).

تفاوت‌های جنسیتی در شکل و فرم بدن ایده‌آل

مردان و زنان تحت فشارهای اجتماعی رو به تزایدی جهت کسب ظاهر و بدن ایده‌آل قرار دارند. در حالی که برای مردان، بدن ایده‌آل، بدنی عضلانی^۲ است، یعنی یک بدن ترکه‌ای^۳، سالم، کشیده، عضلانی، بلند و جوان؛ بدن ایده‌آل برای زنان، یک بدن باریک اندام^۴ است، یعنی یک بدن سالم، باریک، آهنگین^۵،

1. Dynamic Process

2. Muscular Ideal

3. Chiselled

4. Thin Ideal

5. Toned

بررسی تفاوت‌های جنسیتی در میزان رضایت‌مندی از تصویر بدن ۹

شکیل، بدون چین و چروک و جوان (نقل در: کلارک و گریفین، ۲۰۰۸؛ ۱۰۸۷). پژوهش‌ها نشان می‌دهند که مردان عمدتاً از حجم و اندازه عضلات بدنشان ناراضی و نگران هستند، اما ناراضی‌های اصلی زنان از بدنشان، مربوط به ظاهر و وزن بدنشان (تلاش برای لاغری) می‌باشد (نقل در: آبوت و باربر، ۲۰۱۰؛ ۲۳). این تفاوت جنسیتی، انعکاسی از ایده‌آل‌های اجتماعی متفاوتی است که جامعه برای زیبایی زنان و مردان تبلیغ و ترویج می‌نماید.

تفاوت‌های جنسیتی در رژیم غذایی و نگرانی از وزن بدن

در مقایسه با مردان، زنان به دفعات بیشتری خود را وزن می‌کنند، خود را چاق توصیف می‌کنند، از رژیم غذایی ویژه‌ای پیروی می‌کنند و در جستجوی خدمات بهداشتی و پزشکی برای پیشگیری یا درمان اضافه وزن یا چاقی خود هستند (نقل در: شیبه و کوبو، ۲۰۰۲؛ ۲۱۵). همچنین، کونور-گرینی (۱۹۸۸) دریافت که زنان بیشتر از مردان رژیم غذایی می‌گیرند و از سایر ابزارها برای کاهش وزن استفاده می‌کنند. علی‌رغم این که در دامنه‌ی وزن مناسب و ایده‌آل قرار دارند، اما اکثر آنان خود را دارای اضافه وزن یا چاق توصیف می‌کنند (لیچتی و همکاران، ۲۰۰۶؛ ۳۱۵). علاوه بر این، تیگه مان و ویلیامسون (۲۰۰۰) گزارش کردند که اشتغال زنان به فعالیت‌های ورزشی عمدتاً با هدف کنترل وزن و تناسب اندام صورت می‌گیرد. همچنین، علاقه‌ی بیش از حد زنان به صنایع غذایی و استفاده روز افزون آنان از فن‌آوری‌های پیشرفته پزشکی جهت ارتقای ظاهر جسمانی، از نشانه‌های نگرانی بیش از حد زنان راجع به وزنشان می‌باشد (نقل در: جونگ و لنون، ۲۰۰۳؛ ۲۸).

تفاوت‌های جنسیتی در ناراضی‌های جنسیتی از اعضای بدن

شاید برجسته‌ترین تفاوت بین تصویر بدن مردان و زنان، مربوط به رضایت/ناراضی‌های جنسیتی از اعضای بدن است. مردان با تمرکز بر نیم تنه‌ی بالا (شانه و سینه)، در پی رسیدن به یک بدن عضلانی هستند (نقل در: هارگرویز و تیگه مان، ۲۰۰۶؛ ۵۶۹)، در حالی که زنان در آرزوی دستیابی به اندامی باریک، به قسمت‌های میانی بدن و نیم تنه پایین بدنشان توجه کرده و در نتیجه از این قسمت‌های بدنشان (شکم، باسن و ران) ناراضی‌تری بیشتری اظهار می‌کنند (مک کاب و همکاران، ۲۰۰۹؛ ۳۰۴).

بسیاری از پژوهش‌ها از این فرض حمایت می‌کنند که اختلالات تغذیه و نگرانی‌های مربوط به تصویر بدن، نشانه‌های خاص فرهنگ غربی هستند (ژو و همکاران، ۲۰۱۰؛ ۱۵۶). با این حال، با گسترش پدیده

جهانی شدن، پژوهش‌های اخیر حاکی از آن است که نگرانی از تصویر بدن، از آن نوع که در کشورهای غربی دیده شده است، اکنون در حال ورود و شیوع در کشورهای غیر غربی است. ریگر و همکاران (۲۰۰۱) و ویس (۱۹۹۵) بر این باورند که رواج و پیروی از ارزش‌های غربی، منجر به افزایش ناراضیاتی از بدن و نیز اختلالات تغذیه‌ای در بین ساکنین کشورهای غیر غربی گردیده است. با عنایت به گسترش و شیوع میزان ناراضیاتی از تصویر بدن در کشورهای غیر غربی، ضروری به نظر می‌رسد تا پژوهش‌های بیشتری جهت فهم عمیق‌تر ماهیت، علل و پیامدهای مسائل مربوط به تصویر بدن در این کشورها، به ویژه در فضای فرهنگی متفاوتی نظیر ایران انجام گیرد. این دسته از پژوهش‌ها قادر خواهند بود تا ضمن کشف وجوه افتراق و اشتراک احتمالی بین میزان و علل ناراضیاتی از تصویر بدن در بین ساکنین کشورهای غربی و غیر غربی، اثرات احتمالی فضاهای اجتماعی و فرهنگی متفاوت را شناسایی نمایند. داده‌های حاصل از چنین پژوهش‌هایی می‌تواند به سیاست‌گذاران فرهنگی و اجتماعی این کشورها مدد رساند تا با طراحی برنامه‌های اجتماعی و فرهنگی متناسب با شرایط بومی، تا حد ممکن از پیامدهای منفی ناراضیاتی از تصویر بدن در سطوح فردی و اجتماعی (نظیر ابتلای افراد به انواع اختلالات جسمی و روانی؛ اختلالات تغذیه، انجام جراحی‌های زیبایی؛ استفاده روزافزون از لوازم آرایشی؛ هزینه شدن پول، وقت و انرژی افراد جهت همانندسازی بدن خود با بدن‌های ایده‌آل به نمایش درآمده در رسانه‌ها؛ تغییر ذائقه فرهنگی جوانان در زمینه بدن و تغذیه؛ دور شدن از ارزش‌های مذهبی و سنتی راجع به بدن؛ غافل ماندن از ابعاد معنوی-باطنی و سرگرم شدن به جنبه‌های ظاهری-جسمی و ...) پیشگیری نمایند. در همین راستا، انجام پژوهش حاضر، گامی مقدماتی جهت شناسایی میزان شیوع ناراضیاتی از تصویر بدن در بین برخی از جوانان ایرانی می‌باشد. از این رو، پژوهش حاضر سعی دارد تا ضمن شناسایی تفاوت‌های جنسیتی در میزان ناراضیاتی از تصویر بدن در بین دانشجویان، به کشف اثرات احتمالی برخی از عوامل اجتماعی-روانی آن از جمله، مقایسه اجتماعی صعودی ظاهر، شی انگاری بدن (پایش بدن و شرم از بدن)، عزت نفس و سرمایه‌گذاری بدن بر این پدیده بپردازد.

پیشینه تحقیق

علی‌رغم حجم وسیع پژوهش‌های انجام شده در کشورهای غربی راجع به تصویر بدن و نیاز اساسی به فهم عمیق ماهیت این پدیده در بین سایر کشورها، تاکنون پژوهش‌های اندکی در زمینه‌ی تصویر بدن در

بررسی تفاوت‌های جنسیتی در میزان رضایت‌مندی از تصویر بدن ۱۱

ایران انجام شده است. نگاهی گذرا به مطالعات انجام شده در این زمینه در کشور نشان می‌دهد که موضوع تصویر بدن، غالباً در پژوهش‌های انجام شده در باره اختلالات تغذیه و به طور حاشیه‌ای مورد بررسی قرار گرفته است. علاوه بر این، اکثر مطالعات انجام شده، توسط متخصصان علوم پزشکی (نظیر؛ نوبخت و دژکام، ۲۰۰۰؛ عبداللهی و مان، ۲۰۰۱؛ صفوی و همکاران، ۱۳۸۸؛ امیدوار و همکاران، ۱۳۸۱؛ شمس‌الدین سعید و همکاران، ۱۳۸۸؛ راست منس و همکاران، ۲۰۰۹) یا علوم رفتاری (نظیر؛ طوسی و همکاران، ۱۳۸۶؛ طلایی و همکاران، ۱۳۸۸؛ آقاخانی و همکاران، ۱۳۸۵؛ محمدی و سجادی نژاد، ۱۳۸۶؛ بساک نژاد و غفاری، ۱۳۸۶) صورت گرفته است تا میزان شیوع نارضایتی از تصویر بدن را مشخص نموده یا عوامل خطر اختلالات تغذیه و تصویر بدن را شناسایی نمایند. گرچه متخصصان علوم اجتماعی نیز سعی کرده‌اند با به کارگیری رویکردی اجتماعی، به بررسی مسایل مربوط به بدن (نظیر؛ اکیبا، ۱۹۹۸؛ آزاد و چاوشیان، ۱۳۸۱؛ ذکایی، ۱۳۸۶؛ فاتحی و اخلاصی، ۱۳۸۷؛ خواجه نوری و مقدس، ۱۳۸۸؛ ابراهیمی و بهنویی گدونه، ۱۳۸۹) بپردازند.

نتایج برخی پژوهش‌های انجام شده در کشور حاکی از آن است که میزان نگرانی از تصویر بدن در حد نسبتاً بالایی است. برای مثال، نوبخت و دژکام (۲۰۰۰) نشان دادند که نارضایتی از بدن و تمایل به باریک اندامی در بین دانش‌آموزان شهر تهران رایج بوده است. بر اساس پژوهش طلایی و همکاران (۱۳۸۸) بیش از یک سوم دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی مشهد، نگرانی از تصویر بدن را گزارش کرده‌اند، گرچه الگوهای این نگرانی در بین دانشجویان ایرانی و غربی متفاوت است. همچنین، صفوی و همکاران (۱۳۸۸) دریافتند که اکثریت دانشجویان مؤنث در تهران، تصویر بدن منفی داشتند. برخی پژوهش‌های بین فرهنگی نیز سعی کرده‌اند تا بدین موضوع بپردازند. برای مثال، عبداللهی و مان (۲۰۰۱) به منظور بررسی اثرات فرهنگ غربی بر اختلالات تغذیه و نگرانی از تصویر بدن، زنان ایرانی ساکن در ایران و آمریکا را با یکدیگر مقایسه نموده و تفاوت‌های اندکی بین زنان در دو کشور یافتند. در مقابل، اکیبا (۱۹۹۸) با اجرای مقیاس احترام به بدن در بین دانشجویان ایرانی و آمریکایی، دریافت که دانشجویان ایرانی نگاه مثبت‌تر و رضایت‌مندی بیشتری از بدن در مقایسه با هم‌تایان آمریکایی‌شان، گزارش کرده‌اند.

پژوهش‌های انجام شده در حوزه مطالعات اجتماعی در زمینه‌ی مسائل مربوط به بدن، کمتر به طور مستقیم مفهوم تصویر بدن را مورد بررسی قرار داده‌اند. آزاد ارمکی و چاوشیان (۱۳۸۱) با بررسی بدن به عنوان یک رسانه‌ی هویتی، به شیوه‌های مدیریت بدن پرداخته‌اند. نتایج پژوهش ذکایی (۱۳۸۶) بیانگر آن است که نوگرایی در جامعه ایران، تأثیرات خود را در حساسیت جوانان به کنترل و انضباط بر بدن خویش و

حساسیت بیشتر برای ارائه تصویر مطلوب از آن بر جای گذاشته است. همچنین، فاتحی و اخلاصی (۱۳۸۷) با بررسی رابطه مدیریت بدن با پذیرش اجتماعی، به میزان بالای مدیریت بدن (توجه به همه وجوه آن اعم از آرایشی، مراقبت، و ...) در بین زنان شیرازی پی بردند. خواجه نوری و مقدس (۱۳۸۸) با مقایسه تصور از بدن در بین زنان ساکن در شهرهای تهران، شیراز و استهبان دریافتند که اکثریت زنان باریک اندامی را نشانه زیبایی دانسته و معتقدند که این روزها مردم توجه بیشتری به لاغری و باریک اندامی دارند. ابراهیمی و بهنویی گدونه (۱۳۸۹) نیز با بررسی رابطه بین مدیریت ظاهر و سرمایه فرهنگی در بین جوانان شهر بابلس دریافتند که مدیریت ظاهر در بین جوانان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده و رابطه مستقیم و معناداری با سرمایه فرهنگی دارد.

نگاهی گذرا به پژوهش‌های داخلی حاکی از آن است که: بخش اعظم این پژوهش‌ها، با رویکردی زیستی یا روانی صورت گرفته و از رویکردهای روانی-اجتماعی کمتر استفاده شده است. در اغلب پژوهش‌ها، مقیاس‌های مورد استفاده برای سنجش تصویر بدن، عمدتاً غیر استاندارد بوده و صرفاً بر مبنای دانش محققین تنظیم شده است که این امر امکان مقایسه نتایج تحقیقات داخلی با یکدیگر و به‌ویژه با پژوهش‌های خارجی را از بین برده یا کاهش می‌دهد. بیش از آن که مفهوم (رضایت‌مندی یا نارضایتی از) تصویر بدن به طور مستقیم مورد مطالعه قرار گیرد، مفاهیم مرتبط با تصویر بدن، نظیر مدیریت بدن، سرمایه‌گذاری بدن، اختلال بد شکلی بدن، نارضایتی از بدن، احترام به بدن، تصویر ذهنی از جسم و ... مورد مطالعه قرار گرفته و بعضاً از آنها به جای مفهوم تصویر بدن استفاده شده است. با عنایت به شمار اندک پژوهش‌های اجتماعی در زمینه تصویر بدن و نیز کمبود پژوهش‌های مربوط به تصویر بدن در کشورهای غیر غربی و به ویژه کشورهای مسلمان، پژوهش حاضر قصد دارد تا با به کارگیری مقیاس‌های استاندارد تصویر بدن، به بررسی تفاوت‌های جنسیتی در تصویر بدن و شناسایی برخی از متغیرهای اجتماعی- روانی مؤثر بر آن (مقایسه اجتماعی، شیء‌انگاری بدن، و عزت نفس) در بین جوانان دانشجوی پردازد.

مبانی نظری

با عنایت به این که تحقیق حاضر در پی بررسی میزان تفاوت‌های جنسیتی در نارضایتی از تصویر بدن و نیز شناسایی عوامل اجتماعی- روانی مؤثر بر آن بوده است، نظریه‌های مقایسه اجتماعی^۱ و شیء‌انگاری به

1. Social Comparison

بررسی تفاوت‌های جنسیتی در میزان رضایت‌مندی از تصویر بدن ۱۳

عنوان چارچوب نظری تحقیق انتخاب شده‌اند. علت انتخاب این دو نظریه نیز مربوط به توانایی این نظریه‌ها در تبیین تفاوت‌های جنسیتی در تصویر بدن (هولسون و همکاران، ۲۰۰۱) بوده است.

نظریه شیء انگاری

این نظریه که ریشه در رویکردهای فمینیستی دارد از مهم‌ترین تبیین‌های نظری است که در مورد تفاوت‌های جنسیتی در تصویر بدن و نیز رابطه بین تصویر بدن و نشانه‌های افسردگی توضیح می‌دهد (هولسون و همکاران، ۲۰۰۱؛ ۶۱۵). ایدئولوژی فمینیستی تأکید دارد که ظاهر جسمی یک زن، نباید تعیین کننده ارزش شخصی وی باشد (گریپو و هیل، ۲۰۰۸؛ ۱۷۴). نظریه پردازان فمینیست با استفاده از رویکرد برساختگی اجتماعی^۱، چارچوب ارزشمندی برای فهم تجربیات بدن زنانه در فرهنگ غرب و این که چگونه این تجربیات بدنی منجر به تصویر بدن منفی می‌گردد، فراهم کرده‌اند. آنان معتقدند تجارب منفی بدنی در زنان از طریق نقش‌های جنسیتی و فشار رسانه‌ها ایجاد می‌گردد (مک کینلی و هاید، ۱۹۹۶؛ ۱۸۲).

فردریکسون و رابرتس (۱۹۹۷) با استفاده از تعریف بارتکی (۱۹۹۰) از شیء‌انگاری جنسی (جداسازی بدن و عملکرد جنسی یک شخص از هویت‌اش که موجب تقلیل وی به یک شیء و کالا می‌شود)، به طرح و بسط نظریه شیء‌انگاری^۲ پرداختند. بر اساس این نظریه، فرهنگ غرب دختران و زنان را چنان اجتماعی می‌کند که خودشان را به عنوان اشیایی ببینند که باید به‌طور ویژه بر اساس ظاهر و قیافه و نه شخصیت‌شان مورد ارزیابی قرار گیرند، به خاطر این که بدن‌هایشان در معرض نگاه‌های خیره و ارزیابی دیگران (به‌ویژه مردان) قرار دارد. این امر منجر به اشتغال ذهنی بیش از حد زنان، به قیافه ظاهری و بدنشان می‌گردد که خودشیء‌انگاری^۳ نامیده می‌شود (دانیل و بریج، ۲۰۱۰؛ ۳۳). زنانی که دچار خودشیء‌انگاری می‌شوند، خودآگاهی‌ای نمایش می‌دهند که ویژگی اصلی‌اش اشتغال دائم به قیافه و بدن می‌باشد (فردریکسون و همکاران، ۱۹۹۸؛ مک کینلی و هاید، ۱۹۹۶). این فرآیند تحت عنوان پایش یا نظارت بدن^۴ نامیده می‌شود و عنصر اصلی تعریف کننده خود شیء‌انگاری است. پایش بدن می‌تواند به شرم از بدن^۵ منجر گردد؛ چرا که افرادی که دائم به پایش و واریسی بدنشان می‌پردازند، احتمالاً به این نکته پی می‌برند که بین بدن‌های آنان و

1. Social Construction Perspective

2. Objectification Theory

3. Self-objectification

4. Body Surveillance

5. Body Shame

بدن ایده‌آل، تفاوت شدیدی وجود دارد که این امر منجر به پیدایش شرم از بدن می‌گردد. فرض بر این است که برخی رفتارهای ناسازگارانه نظیر جراحی زیبایی و اختلالات تغذیه تلاشی است برای کاهش این شرم از طریق نشان دادن علاقمندی و وفاداری به ایده‌آل‌های جنسی و زیبایی در فرهنگ حاکم (فردریکسون و رابرت، ۱۹۹۷). مطابق پژوهش‌های انجام شده، خود شیء‌انگاری دارای پیامدهایی نظیر افزایش پایش بدن، شرم از بدن، اختلالات تغذیه، نارضایتی از بدن، تضعیف عزت نفس و احترام به بدن، افسردگی و رژیم غذایی نامناسب می‌باشد (دانیل و بریج، ۲۰۱۰؛ ۳۴).

مک کینلی (۱۹۹۵) تجربه‌ی نگرستن به بدن به عنوان یک اُبژه (کالا یا شیء) و باورهای حمایت کننده از این تجربه را آگاهی از بدن شیء انگاشته^۱ نامید. به لحاظ نظری، سطوح بالاتر آگاهی از بدن شیء انگاشته، منجر به تجربیات بدنی منفی برای زنان می‌گردد. این مفهوم متشکل از سه عنصر است که به باور صاحب نظران فمینیستی (بارتکی، ۱۹۸۸؛ اسپیتزاک، ۱۹۹۰) در تجربیات زنان از بدنشان دارای اهمیت است: پایش یا وارسی بدن، درونی کردن استانداردهای فرهنگی راجع به بدن ایده‌آل (شرم از بدن) و باورهای مربوط به توانایی کنترل ظاهر و اندام (مک کینلی و هاید، ۱۹۹۶؛ ۱۸۳). گرچه این نظریه در اصل برای تبیین نگرانی‌های مربوط به تصویر بدن زنان وضع شده است، اما برخی از پژوهش‌گران معتقدند که می‌توان از آن برای تبیین مشکلات مربوط به تصویر بدن مردان و فهم تفاوت‌های جنسیتی نیز استفاده کرد (دانیل و بریج، ۲۰۱۰؛ ۳۲).

نظریه مقایسه اجتماعی

گرچه نظریه مقایسه اجتماعی در ابتدا برای ارزیابی افکار و توانایی‌ها ابداع گردید، اما برای مطالعه اثرات مقایسه اجتماعی بر عزت نفس و ظاهر جسمی نیز به کار گرفته شده است (کیم و لنون، ۲۰۰۷؛ ۸). بر اساس نظریه کلاسیک لئون فستینگر در زمینه مقایسه اجتماعی، افراد یک انگیزه درونی برای ارزیابی ابعاد خود^۲ (توانایی، نگرش و موقعیت) دارند. جایی که ابزار عینی برای ارزیابی وجود ندارد، افراد سعی می‌کنند خود را با دیگران مشابه، مقایسه کنند (اوبرین و همکاران، ۲۰۰۹؛ ۲۰۱). چگونگی مقایسه افراد با دیگران، بر ارزیابی‌شان از خود تأثیر می‌گذارد. به عقیده فستینگر، افراد تنها زمانی به مقایسه خود با دیگران

1. Objectified Body Consciousness

2. Self

بررسی تفاوت‌های جنسیتی در میزان رضایت‌مندی از تصویر بدن ۱۵

می‌پردازند که اطلاعات عینی درباره معیارها و استانداردها وجود نداشته باشد و هدف این مقایسه، تصحیح یا تدقیق ارزیابی شخصی‌شان از خود است (کیم و لنون، ۲۰۰۷؛ ۹). اصلاحات بعدی در نظریه مقایسه اجتماعی نشان داد که: مقایسه اجتماعی حتی زمانی که داده‌های عینی نیز وجود دارد، صورت می‌گیرد؛ همچنین افراد نه تنها برای ارزیابی خود، بلکه برای ارزیابی سایر حالات و نگرش‌ها و انگیزه‌های خود (نظیر چگونگی ارتقای خود)، از مقایسه اجتماعی استفاده می‌کنند (هالی ول و دیتمار، ۲۰۰۵) و نیز افراد به عنوان هدف مقایسه، صرفاً خود را با افراد مشابه مقایسه نمی‌کنند، بلکه در بسیاری از اوقات خود را با افراد بالاتر از خود (مقایسه اجتماعی صعودی) یا پایین‌تر از خود (مقایسه اجتماعی نزولی) نیز مقایسه می‌کنند (اوبرین و همکاران، ۲۰۰۹).

با این حال، فرض اساسی اکثر پژوهش‌های انجام شده در زمینه تصویر بدن این است که افراد، بیشتر تمایل دارند تا ظاهر و بدن خود را با افراد زیباتر و جذاب‌تر نظیر مدل‌های مد لباس، ستاره‌های سینما و تلویزیون و ورزشکاران مقایسه نمایند (مقایسه اجتماعی صعودی) و نه با افراد زشت یا غیر جذاب (مقایسه اجتماعی نزولی). نتیجه این مقایسه، می‌تواند ایجاد یا تشدید نارضایتی از بدن و به دنبال آن اتخاذ رفتارهای جبران‌کننده مخاطره‌آمیز (نظیر اختلالات تغذیه، برنزه کردن، جراحی زیبایی، مصرف قرص‌های لاغری یا نیروزا) باشد (اوبرین و همکاران، ۲۰۰۹). پژوهش‌های پیشین، حاکی از آن است که مقایسه اجتماعی صعودی، اغلب با افزایش آشفتگی عاطفی و کاهش عزت نفس همراه است. در مقابل، مقایسه اجتماعی نزولی، می‌تواند به عنوان سازوکاری برای رشد و ارتقای خود در نظر گرفته شود، به خاطر این که شخص، با مقایسه خودش با شخصی که در زمینه‌ی یک ویژگی از او پایین‌تر است، می‌تواند احساس بهتری راجع به جایگاه خود داشته باشد (کیم و لنون، ۲۰۰۷). در مجموع، مطالعات در این حوزه حاکی از این است که کسانی که تمایل شدیدی به مقایسه ظاهر جسمی خود با دیگران دارند، نارضایتی بدن و نیز رفتارهای تغذیه‌ای نامناسب تری را تجربه می‌کنند.

روش شناسی

در این تحقیق از روش پیمایش^۱ استفاده شده است که امکان دستیابی به نتایج تعمیم‌پذیر به کل جامعه‌ی آماری را از طریق مطالعه‌ی نمونه‌ای معرف فراهم می‌آورد.

جامعه و نمونه آماری تحقیق

جامعه آماری تحقیق حاضر را تمامی دانشجویان مقاطع کارشناسی و کارشناسی ارشد دانشگاه مازندران (واقع در پردیس دانشگاه در شهر بابلسر) تشکیل می‌دهند که بنا بر گزارش معاونت آموزشی دانشگاه در بهار سال ۱۳۸۹، تقریباً ۸۵۰۰ نفر بوده‌اند. براساس فرمول نمونه‌گیری کوکران و با احتمال خطای ۵ درصد (دواس، ۱۳۷۶؛ ۷۸)، تعداد ۴۰۰ نفر از دانشجویان مذکور به عنوان نمونه تحقیق انتخاب گردیدند. با توجه به زمان گردآوری داده‌ها (امتحانات پایان ترم) و عدم امکان دسترسی تصادفی به تمامی دانشجویان، از روش نمونه‌گیری در دسترس^۲ استفاده گردید. به منظور معرف بودن نمونه، تلاش شد تا تناسبی بین حجم جامعه آماری و تعداد نمونه انتخاب شده از هر دانشکده برقرار گردد. پس از حذف تعداد ۴۰ پرسش نامه ناقص، تجزیه و تحلیل داده‌ها با ۳۶۰ پرسشنامه (۲۳۰ نفر مونث و ۱۳۰ نفر مذکر) انجام یافت.

ابزار گردآوری داده‌ها

با تکیه بر مبانی نظری تحقیق و نیز استفاده از تحقیقات پیشین، پرسشنامه‌ای جهت گردآوری داده‌ها طراحی گردید. به منظور سنجش اعتبار مقیاس‌ها و پرسش‌های پرسشنامه، از روش اعتبار سازه^۳ استفاده شده است که در آن محقق با بررسی میزان ارتباط بین ابزار سنجش با انتظارات و پیش‌بینی‌های چارچوب نظری تحقیق، درمی‌یابد که ابزار سنجش، تا چه میزان در انعکاس و اندازه‌گیری مفاهیم و پیش‌فرض‌های به کار رفته در نظریه موفق بوده است. همچنین، برای سنجش پایایی^۴ ابزار تحقیق و مقیاس‌های مورد استفاده، از ضریب آلفای کرونباخ^۵ استفاده شده است.

1. Survey

2. Availability Sampling Method

3. Construct Validity

4. Reliability

5. Chronbach's Alpha

تعریف عملیاتی متغیرها

تمامی متغیرهای مستقل و وابسته تحقیق (غیر از جنسیت)، با استفاده از مقیاس‌های استاندارد شده و به کار رفته در پژوهش‌های پیشین مورد سنجش قرار گرفته‌اند:

عزت نفس: به منظور سنجش میزان عزت نفس، از مقیاس استاندارد عزت نفس روزنبرگ^۱ استفاده شده است که شامل ده گویه راجع به احساسات مثبت و منفی افراد راجع به خودشان می‌باشد. این مقیاس در سایر پژوهش‌های مربوط به تصویر بدن نیز مورد استفاده قرار گرفته است (کیم و لنون، ۲۰۰۷). کسب نمرات بالاتر در این مقیاس ($\alpha=0/851$) حاکی از سطح بالاتر عزت نفس خواهد بود (گنجی، ۱۳۸۱؛ ۲۰۹).

تصویر بدن: جهت اندازه‌گیری ابعاد شناختی، عاطفی و رفتاری تصویر بدن از پرسشنامه چند بعدی خود گزارشی از بدن^۲ استفاده شده که به طور مکرر در پژوهش‌های تصویر بدن در کشورهای مختلف دنیا از جمله ایران (زر شناس و همکاران، ۱۳۸۸)، مورد استفاده قرار گرفته است. در تحقیق حاضر، از شکل کوتاه پرسشنامه (با ۳۴ گویه و ۵ خرده مقیاس) استفاده شده و تنها دو خرده مقیاس آن به شرح زیر، گزارش شده‌اند:

ارزیابی از ظاهر^۳ (رضایت‌مندی از تصویر بدن): این خرده مقیاس یکی از رایج‌ترین ابزارهای اندازه‌گیری بعد ذهنی تصویر بدن است (کیم و لنون، ۲۰۰۷؛ ۱۱) و احساسات مربوط به جذابیت یا عدم جذابیت ظاهر و نیز میزان رضایت‌مندی یا ناراضی‌تی یک شخص از ظاهرش را اندازه‌گیری می‌کند. دارندگان نمرات بالا، عمدتاً دارای احساسات مثبت نسبت به ظاهر خود بوده و از آن رضایت دارند (کش، ۲۰۰۰). خرده مقیاس ارزیابی از ظاهر، دارای ۷ گویه است که بر اساس طیف لیکرت (۱=کاملاً مخالف تا ۵=کاملاً موافق) سنجیده می‌شود ($\alpha=0/743$).

جهت‌گیری نسبت به ظاهر^۴ (سرمایه‌گذاری بدن): این خرده مقیاس که به اندازه‌گیری میزان سرمایه‌گذاری فرد بر روی بدنش (مدیریت بدن) می‌پردازد، متشکل از ۱۲ گویه است که اهمیت و توجه شناختی فرد نسبت به ظاهرش و نیز سرمایه‌گذاری رفتاری در حفظ یا بهبود وضعیت ظاهری را مورد سنجش

1. Rosenberg

2. Multi-dimensional Body Self-relation Questionnaire (MBSRQ)

3. Appearance Evaluation (AE)

4. Appearance Orientation (AO)

قرار می‌دهد (گریلو و همکاران، ۱۹۹۴؛ ۳). دارندگان نمرات بالا، اهمیت زیادی به این می‌دهند که از نگاه دیگران چگونه به نظر می‌رسند، توجه وافری به ظاهرشان دارند، و به شدت مشغول و درگیر رفتارهای آراستن ظاهرشان هستند (کش، ۲۰۰۰) ($\alpha=0/752$).

مقایسه اجتماعی ظاهر: مقیاس مقایسه صعودی و نزولی ظاهر^۱ که توسط اوبرین و همکاران (۲۰۰۹) طراحی شده است، ترکیبی از دو مقیاس قبلی راجع به مقایسه ظاهر، یعنی مقیاس مقایسه ظاهر جسمی (تامپسون و همکاران، ۱۹۹۱) و مقیاس مقایسه بدن (فیشر و همکاران، ۲۰۰۲) است. این مقیاس، متشکل از ۱۰ گویه جهت ارزیابی مقایسه صعودی و ۸ گویه جهت سنجش مقایسه نزولی ظاهر می‌باشد که در این تحقیق صرفاً گویه‌های مقایسه صعودی ظاهر مورد استفاده قرار گرفته‌اند ($\alpha=0/869$). کسب نمرات بالاتر در گویه‌های مقایسه صعودی ظاهر، نشان دهنده‌ی گرایش بیشتر برای مقایسه خود با کسانی است که به لحاظ جسمی جذاب‌ترند (اوبرین و همکاران، ۲۰۰۹؛ ۲۰۳).

آگاهی از بدن شیء انگاشته:^۲ مک کینلی و هاید (۱۹۹۶) با استفاده از نظریه فمینیستی در زمینه برساختگی اجتماعی^۳ بدن زنانه، مقیاسی را برای اندازه‌گیری آگاهی از بدن شیء انگاشته (نگاه یک فرد به بدن خود به عنوان یک شیء و کالا)، طراحی و اعتبارسنجی نمودند. در تحقیق حاضر، به منظور سنجش تفاوت‌های جنسیتی در مسائل مربوط به تصویر بدن و نیز آزمون نظریه فمینیستی راجع به برساختگی اجتماعی بدن در یک کشور غیر غربی، مقیاس ۲۴ گویه‌ای آگاهی از بدن شیء انگاشته مورد استفاده قرار گرفته است (مک کینلی، ۱۹۹۸). نمرات بالاتر در این مقیاس، حاکی از نگرانی بالاتر راجع به بدن است. در تحقیق حاضر، دو خرده مقیاس به طور مستقل و مجزا به شرح زیر مورد استفاده قرار گرفته است:

خرده مقیاس پایش بدن:^۴ این خرده مقیاس به اندازه‌گیری میزان پایش و واریسی کردن افراد از بدن‌هایشان به عنوان یک مشاهده‌گر بیرونی جهت کسب اطمینان از منطبق بودن آن با استانداردهای اجتماعی می‌پردازد، به شکلی که این افراد بیش از آن که به احساس شخصی خودشان نسبت به بدنشان توجه کنند، عمدتاً بر ظاهر و نمای بیرونی بدنشان، از دید دیگران توجه و تأکید دارند (کالوگرو و تامپسون، ۲۰۰۹؛ ۱۴۶). این خرده مقیاس شامل ۸ گویه است ($\alpha=0/621$) و دارندگان نمرات بالاتر کسانی هستند که

1. Upward & Downward Appearance Comparison Scale (UDACS)

2. Objectified Body Consciousness (OBC)

3. Social Construction

4. Surveillance Subscale

بررسی تفاوت‌های جنسیتی در میزان رضایت‌مندی از تصویر بدن ۱۹

به طور مکرر به بدن‌هایشان توجه کرده و بیشتر نگران این هستند که در نگاه دیگران، ظاهر بدنشان چگونه به نظر می‌رسد تا این که خودشان چه احساسی نسبت به بدنشان دارند (مک کینلی و هاید، ۱۹۹۶؛ ۱۸۸).

خرده مقیاس شرم از بدن^۱: خرده مقیاس ۸ گویه‌ای شرم از بدن، چگونگی احساس افراد نسبت به بدنشان را ارزیابی می‌کند ($\alpha=0/678$). فردی که نمره بالایی کسب می‌کند بر این باور است که چنانچه نتواند چشم‌داشت‌های فرهنگی راجع به بدن خویش را برآورده سازد، مقصر و قابل سرزنش خواهد بود (میزان بالاتری از شرم را نسبت به بدن خود احساس خواهد کرد) (مک کینلی و هاید، ۱۹۹۶؛ ۱۸۸).

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها: داده‌های تحقیق با استفاده از بسته‌ی اختصاصی علوم اجتماعی (SPSS) تجزیه و تحلیل شده‌اند. برای به تصویر کشیدن ویژگی‌های جمعیتی و اجتماعی- فرهنگی پاسخ‌گویان، از آمار توصیفی استفاده گردید. همچنین، آمار استنباطی جهت سنجش تفاوت‌های جنسیتی در تصویر بدن و نیز شناسایی متغیرهای پیش‌بینی‌کننده‌ی تصویر بدن مورد استفاده قرار گرفته است.

یافته‌های تحقیق

توصیف ویژگی‌های اجتماعی- جمعیتی پاسخ‌گویان

پاسخ‌گویان تحقیق شامل ۳۶۰ نفر (۱۳۰ مرد و ۲۳۰ زن) دانشجوی سنین ۱۸ تا ۲۹ سال (با میانگین سنی ۲۱/۵ سال) می‌باشند. اکثریت پاسخ‌گویان را دانشجویان مقطع کارشناسی (۸۶/۴ درصد) و مجرد (۹۴/۲ درصد) تشکیل می‌دهند که محل سکونت دائمی بیش از دو سوم آنان (۷۸/۹ درصد) در مناطق شهری است، گرچه در زمان انجام تحقیق، اکثریت آنها در خوابگاه سکونت داشته (۶۹/۲ درصد) یا در منزل اجاره‌ای (۲۵ درصد) با دوستانشان زندگی می‌کردند. نگاهی به وضعیت تحصیلات و درآمد والدین دانشجویان حاکی از آن است که اکثریت والدین (۵۷/۹ درصد) دارای تحصیلات کمتر از دیپلم و درآمد ماهیانه بیش از نیمی از آنان (۵۶/۵ درصد) در حد پایین (کمتر از پانصد هزار تومان در ماه) بوده است.

¹. Body Shame Subscale

تفاوت‌های جنسیتی

به منظور فهم تفاوت‌های جنسیتی معنادار در زمینه مسایل مربوط به تصویر بدن، میانگین نمرات خود شیء‌انگاری، تصویر بدن، عزت نفس و مقایسه اجتماعی در جدول شماره (۱) به تصویر کشیده شده است.

جدول شماره (۱): تفاوت‌های جنسیتی در متغیرهای مستقل تحقیق

مقدار تی (معناداری)	انحراف معیار	میانگین مقیاس	میانگین هر گویه	جنسیت	مقیاس‌ها	
					پایش بدن	خود شیء انگاری
۰/۲۲۸	۵/۱۷۸	۳۲/۷	۴/۰۹	مرد	پایش بدن	خود شیء انگاری
	۵/۶۹۱	۳۲/۶	۴/۰۷	زن		
-۱/۱۶	۶/۳۸۰	۲۷/۴	۳/۴۲	مرد	شرم از بدن	تصویر بدن
	۷/۰۰۰	۲۸/۳	۳/۵۳	زن		
-۲/۶۶ **	۴/۶۲۳	۲۴/۲	۲/۶۸	مرد	رضایت از تصویر بدن	تصویر بدن
	۴/۷۹۳	۲۵/۶	۲/۸۴	زن		
-۲/۲۷ *	۶/۸۴۴	۴۰/۷	۳/۳۹	مرد	سرمایه گذاری بدن	مقایسه اجتماعی
	۶/۸۱۷	۴۲/۵	۳/۵۴	زن		
-۱/۳۳	۸/۲۴۹	۲۷/۰	۲/۷۰	مرد	مقایسه اجتماعی	عزت نفس
	۸/۳۴۲	۲۸/۳	۲/۸۲	زن		
-۱/۷۶	۴/۵۰۵	۳۰/۵	۳/۰۴	مرد	عزت نفس	عزت نفس
	۵/۳۸۵	۳۱/۵	۳/۱۴	زن		

** رابطه معنا دار در سطح ۹۹ درصد اطمینان * رابطه معنا دار در سطح ۹۵ درصد اطمینان

بر اساس داده‌های جدول شماره (۱)، هیچ‌گونه تفاوت معناداری در نمرات میانگین دختران و پسران دانشجوی در زمینه مقایسه اجتماعی، خود شیء‌انگاری بدن و عزت نفس به چشم نمی‌خورد. با این حال، ارقام میانگین حاکی از آن است که زنان بیشتر از مردان، ظاهر خود را با افرادی جذاب‌تر از خود مقایسه می‌کنند، از این که بدنشان با بدن ایده‌آل فاصله دارد، احساس نگرانی و شرم دارند و از عزت نفس بالاتری برخوردارند. بر اساس نتایج آزمون تی، تفاوت جنسیتی معناداری بین میانگین نمرات رضایت از تصویر بدن (بر اساس خرده مقیاس ارزیابی از ظاهر) به نفع زنان وجود دارد، بدین معنی که در مقایسه با مردان، زنان دانشجوی نسبت به بدن خود، تصور مثبت‌تری داشته و از ظاهر خود رضایت بیشتری دارند. همچنین، تفاوت

بررسی تفاوت‌های جنسیتی در میزان رضایت‌مندی از تصویر بدن ۲۱

جنسیتی معناداری در زمینه سرمایه‌گذاری بدن (بر اساس خرده مقیاس جهت‌گیری نسبت به ظاهر) نیز به چشم می‌خورد که این بار نیز، میانگین نمرات زنان در مقایسه با مردان بیشتر است. این امر دال بر آن است که زنان دانشجوی در مقایسه با مردان اهمیت بیشتری به ظاهر خود داده، توجه بیشتری به آن معطوف نموده و با شدت بیشتری درگیر آراستن ظاهر خود می‌باشند. شاید سرمایه‌گذاری بیشتر توسط زنان بر روی بدن، به افزایش میزان رضایت آنان از تصویر بدنشان منجر شده است، بدین معنی که زنان در مقایسه با مردان، سرمایه‌گذاری بیشتری بر بدن و در نتیجه رضایت‌مندی بیشتری از تصویر بدنشان دارند.

تحلیل رگرسیونی داده‌ها

جدول شماره (۲): نتایج تحلیل رگرسیون چند متغیره میزان رضایت از تصویر بدن

جنسیت	متغیرهای پیش‌بینی کننده	ضریب تأثیر غیراستاندارد (B)	ضریب تأثیر استاندارد (β)	مقدار آزمون تی (T)	سطح معنا داری (P)	ضریب همبستگی (R) و ضریب تعیین (R2)
کل پاسخ‌گویان	سرمایه گذاری بدن	۰/۰۳۲	۰/۴۱۷	۸/۱۵	۰/۰۰۰	R= ۰/۵۷۴ R2= ۰/۳۲۹
	عزت نفس	۰/۰۳۳	۰/۳۳۰	۶/۴۲	۰/۰۰۰	
	پایش بدن	-۰/۰۱۱	-۰/۱۱۴	-۲/۱۶	۰/۰۳۲	
	شرم از بدن	-۰/۰۰۸	-۰/۱۰۶	-۲/۱۲	۰/۰۳۴	
	مقایسه صعودی	۰/۰۰۴	-۰/۰۰۸	-۰/۱۲۹	۰/۸۹۷	
مردان	سرمایه گذاری بدن	۰/۳۸۸	۰/۴۲۸	۴/۴۳	۰/۰۰۰	R= ۰/۶۲۶ R2= ۰/۳۹۲
	عزت نفس	۰/۰۴۲	۰/۳۸۹	۴/۳۵	۰/۰۰۰	
	پایش بدن	-۰/۰۰۶	-۰/۰۶۲	-۰/۷۱۸	۰/۴۷۵	
	شرم از بدن	-۰/۰۰۴	-۰/۰۵۶	-۰/۵۸۰	۰/۵۶۴	
	مقایسه صعودی	-۰/۰۰۲	-۰/۰۳۲	-۰/۳۰۳	۰/۷۶۲	
زنان	سرمایه گذاری بدن	۰/۳۷۷	۰/۴۱۲	۵/۷۱	۰/۰۰۰	R= ۰/۵۴۷ R2= ۰/۳۹۹
	عزت نفس	۰/۰۲۹	۰/۳۰۵	۴/۶۹	۰/۰۰۰	
	شرم از بدن	-۰/۰۰۹	-۰/۱۴۵	-۲/۳۰	۰/۰۲۲	
	پایش بدن	-۰/۰۱۲	-۰/۱۲۶	-۱/۸۱	۰/۰۷۲	
	مقایسه صعودی	-۰/۰۰۱	-۰/۰۱۰	-۰/۱۲۵	۰/۹۰۰	

به منظور شناسایی متغیرهای احتمالی پیش‌بینی‌کننده میزان رضایت‌مندی از تصویر بدن (ارزیابی ظاهر)، رگرسیون چند متغیره به روش جبری (Enter) و به تفکیک جنسیت به شرح جدول شماره (۲) اجرا گردید. مطابق داده‌های جدول مذکور، متغیرهای سرمایه‌گذاری بدن، عزت نفس، پایش بدن، شرم از بدن و مقایسه اجتماعی صعودی به طور همزمان به مقدار ۰/۵۷۴ با میزان رضایت‌مندی کل پاسخ‌گویان از تصویر بدنشان، همبستگی چندگانه داشته‌اند. همچنین، مقدار ضریب تعیین (R Square) نشان می‌دهد که ۳۲/۹ درصد از تغییرات در میزان رضایت از تصویر بدن، از طریق متغیرهای مستقل مذکور، قابل توضیح است. ضریب تأثیر استاندارد (Beta)، گویای جهت و به ویژه شدت تأثیر هر یک از متغیرهای مستقل، بر رضایت‌مندی از تصویر بدن است. نگاهی به مقادیر بتای کل پاسخ‌گویان، حاکی از آن است که متغیر سرمایه‌گذاری بدن با بالاترین ضریب بتا (۰/۴۱۷)، قوی‌ترین پیش‌بینی‌کننده میزان رضایت‌مندی از تصویر بدن دانشجویان است. در مرتبه دوم، متغیر عزت نفس، با بتای معادل ۰/۳۳۰ قرار گرفته است که حاکی از بالاتر بودن میزان رضایت‌مندی از تصویر بدن در بین دارندگان عزت نفس بالاتر می‌باشد. در مرتبه سوم، متغیر پایش یا واری بدن با بتای معادل ۰/۱۱۴- قرار گرفته است که نشان می‌دهد دانشجویانی که کمتر به واری و پایش دائم بدن خود مشغول بوده‌اند، رضایت‌مندی بیشتری از تصویر بدنشان داشته‌اند. در نهایت، متغیر شرم از بدن با دارا بودن بتای معادل ۰/۱۰۶- حاکی از آن است که دانشجویانی که احساس شرم بیشتری از بدنشان داشته‌اند، رضایت‌مندی کمتری از تصویر بدنشان گزارش کرده‌اند. بدین ترتیب، معادله رگرسیونی استاندارد را می‌توان بر مبنای ضرایب بتا به شرح زیر نوشت:

$$\text{میزان رضایت‌مندی از تصویر بدن} = (\text{سرمایه گذاری بدن}) ۰/۴۱۷ + (\text{عزت نفس}) ۰/۳۳۰ + (\text{پایش بدن}) ۰/۱۱۴ - (\text{شرم از بدن}) ۰/۱۰۶ -$$

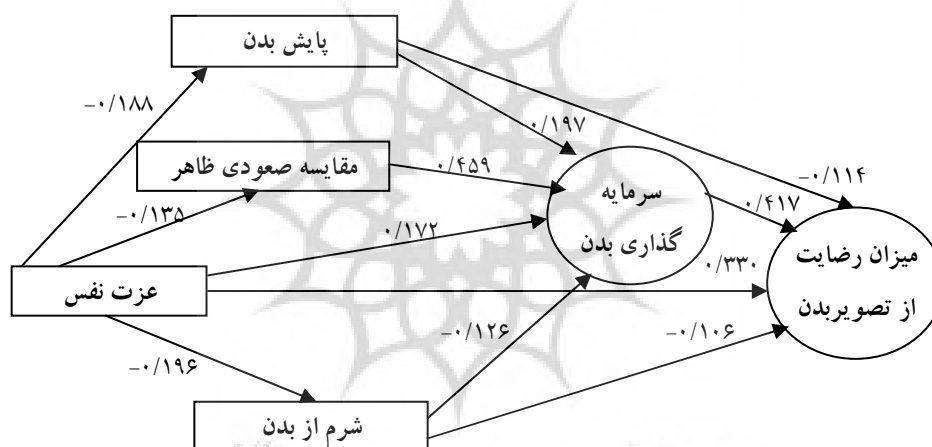
نگاهی به نتایج تحلیل رگرسیونی بر حسب جنسیت، حاکی از تفاوت جنسیتی در زمینه پیش‌بینی‌کننده‌های میزان رضایت‌مندی از بدن در بین مردان و زنان دانشجوی می‌باشد. بدین معنی که در بین مردان، متغیرهای سرمایه‌گذاری بدن (با بتای ۰/۴۲۸) و عزت نفس (با بتای ۰/۳۸۹) به ترتیب مهم‌ترین و تنها متغیرهای معناداری هستند که قادرند میزان رضایت‌مندی از تصویر بدن را پیش‌بینی نمایند. بدین ترتیب، آن دسته از مردانی که سرمایه‌گذاری بیشتری بر روی بدن‌هایشان انجام داده و از عزت نفس بالا تری برخوردارند، احتمالاً ارزیابی بهتری از ظاهر خود به عمل آورده و رضایت‌مندی بیشتری از تصویر بدنشان دارند. در مقابل، گرچه در بین زنان نیز همانند هم‌تایان مردشان، متغیرهای سرمایه‌گذاری بدن (با بتای ۰/۴۱۲) و عزت نفس (با بتای ۰/۳۰۵) مهم‌ترین پیش‌بینی‌کننده‌های رضایت‌مندی از تصویر بدن می‌باشند،

بررسی تفاوت‌های جنسیتی در میزان رضایت‌مندی از تصویر بدن ۲۳

اما متغیر شرم از بدن نیز به عنوان سومین متغیر معنادار با بتای معادل $-0/145$ به معادله رگرسیونی اضافه شده و نشان می‌دهد که رضایت‌مندی از تصویر بدن در بین آن دسته از زنانی که احساس شرم بیشتری از بدنشان دارند، کمتر است. گرچه متغیر پایش از بدن نیز با بتای معادل $-0/126$ قادر به پیش بینی رضایت‌مندی بیشتر از تصویر بدن در بین زنانی است که کمتر به واریس دائم بدن خود پرداخته و نگران ظاهرشان هستند، با این حال این رابطه به لحاظ آماری معنادار نیست.

تحلیل مسیر

با به کارگیری تکنیک تحلیل مسیر و استفاده از ضرایب مسیر، آثار مستقیم و غیرمستقیم و یا بی‌اثری هر یک از متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته در بین کل نمونه آماری مشخص گردیده است.



ضرایب مسیر مدل تحلیلی را می‌توان در جدول شماره (۳) به شرح زیر خلاصه کرد:

جدول شماره (۳): آثار مستقیم و غیر مستقیم متغیرهای مدل تحلیلی بر میزان رضایت از تصویر بدن

متغیرهای مستقل	اثر مستقیم	اثر غیر مستقیم	اثر کل
عزت نفس	0/330	0/097	0/427
سرمایه گذاری بدن	0/417	---	0/417
مقایسه صعودی ظاهر	-0/008	0/191	0/183
شرم از بدن	-0/106	-0/052	-0/158
پایش بدن	-0/114	0/082	-0/032

جدول مذکور نشان دهنده تأثیرات مستقیم، غیرمستقیم و تأثیرات کل هر یک از متغیرهای مستقل تحقیق بر رضایت‌مندی از تصویر بدن می‌باشد. با توجه به داده‌های جدول، در زمینه تأثیرات کلی متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته، مشخص می‌شود که متغیر عزت نفس ($0/427$)، قوی‌ترین و مهم‌ترین پیش‌بینی کننده میزان رضایت‌مندی از تصویر بدن دانشجویان می‌باشد. پس از این متغیر، متغیرهای سرمایه‌گذاری بدن ($0/417$)، مقایسه صعودی ظاهر ($0/183$)، شرم از بدن ($-0/158$) و پایش بدن ($-0/032$) به ترتیب در رده‌های بعدی، بیشترین تأثیر را بر متغیر وابسته داشته‌اند. با این حال، گرچه تأثیرات مستقیم سرمایه‌گذاری بدن بیشتر از عزت نفس می‌باشد، اما عزت نفس با اثرگذاری بر متغیرهای پایش بدن، شرم از بدن، مقایسه صعودی و سرمایه‌گذاری بدن، به طور غیر مستقیم بر میزان رضایت‌مندی دانشجویان از تصویر بدنشان تأثیر می‌گذارد.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر که به بررسی تفاوت جنسیتی در رضایت‌مندی از تصویر بدن در بین دانشجویان دانشگاه مازندران پرداخته است، در زمره نخستین پژوهش‌هایی قرار می‌گیرد که به طور همزمان روابط بین رضایت‌مندی از تصویر بدن را با شیء‌انگاری بدن، مقایسه اجتماعی صعودی و نیز عزت نفس در بین نمونه‌ای از جوانان ایرانی مورد مطالعه قرار داده است.

بر خلاف نتایج پژوهش‌های انجام شده در سایر کشورها با زمینه‌های فرهنگی متفاوت (چن و جکسون، ۲۰۰۸؛ کندی و همکاران، ۲۰۰۴؛ لی و لی، ۱۹۹۶؛ ملور و همکاران، ۲۰۰۸؛ ملور و همکاران، ۲۰۰۹؛ دونکن و همکاران، ۲۰۰۶؛ مک آرتور و همکاران، ۲۰۰۵)، نتایج تحقیق حاضر نشان داد که در مقایسه با مردان، زنان احساس بهتری نسبت به بدن خود داشته و رضایت‌مندی بیشتری از تصویر بدنشان گزارش کرده‌اند. به عبارت دیگر، مردان جوان ایرانی تحقیق حاضر، نارضایتی بیشتری از تصویر بدنشان داشته‌اند. این تفاوت ممکن است بیانگر این واقعیت باشد که مردان جوان ایرانی فشارهای اجتماعی و فرهنگی شدیدتری را در مورد اندازه و شکل بدنشان در مقایسه با زنان تجربه می‌کنند. این یافته، می‌تواند از نقش فرهنگ در نارضایتی یا رضایت‌مندی از تصویر بدن، حمایت کرده و نشان دهد که در کشورهای غربی، زنان و دختران جوان از سوی منابع و کارگزاران اجتماعی (به ویژه رسانه‌ها) برای داشتن بدن ایده‌آل (باریک

بررسی تفاوت‌های جنسیتی در میزان رضایت‌مندی از تصویر بدن ۲۵

اندامی) تحت فشار بیشتری قرار می‌گیرند. برای تبیین تفاوت جنسیتی مذکور در ایران و کشورهای غربی، شاید بتوان به توضیحات احتمالی زیر اشاره نمود:

(۱) بر اساس قوانین اسلامی، زنان باید بدن خود را از معرض دید مردان نامحرم بپوشانند. بر این اساس، اکثریت زنان جوان ایرانی سعی دارند تا با پوشیدن لباس‌های بلند و گشاد در مکان‌های عمومی (در مقایسه با پوشش رایج زنان در کشورهای غربی)، بدن‌هایشان را از معرض دید دیگران دور نگه دارند. این امر می‌تواند به سطوح پایین‌تر استرس و اضطراب راجع به شکل بدن و رضایت بیشتر از آن منجر گردد؛ در حالی که مردان ممکن است با پوشیدن لباس‌هایی تنگ‌تر و کوتاه‌تر، بدن‌هایشان را در معرض ارزیابی و قضاوت دیگران قرار دهند. این نکته در پژوهش راست‌منش و همکاران (۲۰۰۹) که نشان می‌دهد آن دسته از زنان ایرانی که از شیوه‌های پوشش و حجاب کامل‌تری استفاده می‌کردند، عزت نفس و رضایت از بدن بیشتری را گزارش کرده بودند، مورد تأیید قرار گرفته است.

(۲) بازخوردهای کلامی راجع به ظاهر جسمی یک فرد نیز می‌تواند به عنوان یک متغیر اجتماعی و فرهنگی تأثیرگذار محسوب گردد. مک لارن و همکاران (۲۰۰۴) دریافتند که در بین زنان بالغ، عبارات مثبت راجع به وزن و شکل بدن از سوی دیگران، به طور مثبت تفسیر شده و با افزایش رضایت‌مندی از تصویر بدن همبستگی مستقیم داشته است (بایلی و ریکاردلی، ۲۰۱۰؛ ۱۰۷). باعنایت به وجود برخی محدودیت‌های فرهنگی در برقراری روابط رومانتیک با جنس مخالف، به نظر می‌رسد که مردان ایرانی سعی دارند تا با به کارگیری عبارات مثبت راجع به شکل و اندازه بدن زنان و دختران جوان، موجبات آشنایی، علاقمندی و جذب آنان را فراهم نمایند. دریافت مکرر بازخوردهای مثبت از سوی جنس مخالف راجع به زیبایی صورت و اندام، می‌تواند منجر به این شود که زنان جوان تصور نمایند که دارای بدن ایده‌آل و زیبایی قابل قبولی هستند و در نتیجه رضایت‌مندی بیشتری راجع به تصویر بدنشان را در مقایسه با مردان جوان گزارش نمایند.

(۳) رسانه‌های جمعی شاید مهم‌ترین منبع فشار اجتماعی به زنان جوان در کشورهای غربی، برای داشتن بدن ایده‌آل محسوب می‌گردند. این در حالی است که مدیریت صدا و سیما در کشور تحت نظارت و کنترل دولت قرار داشته و بالتبع پخش برنامه‌هایی با محتوای مغایر با فرهنگ اسلامی (از جمله تبلیغات تجاری سودمحور بخش خصوصی به منظور تأمین منابع مالی)، محدود یا ممنوع می‌باشد. در نتیجه، زنان ایرانی به اندازه هم‌تایان غربی‌شان در معرض تبلیغات تجاری راجع به بدن ایده‌آل (باریک اندامی) از طریق رسانه‌های داخلی قرار نمی‌گیرند. از این رو، زنان ایرانی در مقایسه با زنان غربی، کمتر تحت فشار

چشم‌داشت‌ها و انتظارات اجتماعی تبلیغ شده توسط رسانه‌ها راجع به بدن ایده‌آل بوده و در نتیجه رضایت‌مندی بیشتری از بدن‌هایشان گزارش می‌کنند.

۴) در فرهنگ غرب بدن عضلانی و کشیده با قدی نسبتاً بلند، تصویر ایده‌آلی است که از بدن مردانه ترسیم می‌گردد. این در حالی است که گرچه به باریک اندامی بدن، به عنوان فرم ایده‌آل بدن زنانه، توجه می‌شود اما در عین حال تأکید زیادی بر مدیریت و سرمایه‌گذاری بدن زنان نیز می‌گردد. به نظر می‌رسد در کشور ما فراهم آوردن برخی از امکانات دستیابی به زیبایی برای زنان جوان (نظیر استفاده از لوازم متنوع آرایشی، انواع مدل‌های مو، مدل‌های متنوع لباس و انجام جراحی‌های زیبایی)، آسان‌تر از تغییر سایز و اندازه بدن برای مردان جهت دستیابی به بدن ایده‌آل باشد. این امر نیز می‌تواند رضایت‌مندی نسبی بیشتری برای زنان از تصویر بدنشان به همراه داشته باشد.

علاوه بر تفاوت جنسیتی در رضایت‌مندی از تصویر بدن، مردان و زنان جوان مورد بررسی در تحقیق حاضر به لحاظ میزان سرمایه‌گذاری بدن (جهت‌گیری ظاهر) نیز با یکدیگر تفاوت معناداری داشته‌اند. بدین معنی که زنان به این که ظاهرشان به نظر دیگران چگونه به نظر می‌رسد اهمیت بیشتری می‌دهند، توجه فراوان‌تری به ظاهر و به ویژه صورتشان دارند و وقت زیادتری را صرف آراستن خود می‌کنند. شاید به خاطر همین سرمایه‌گذاری بیشتر بر بدن است که زنان جوان، رضایت‌مندی بالاتری از بدنشان در مقایسه با هم‌تایان مرد، گزارش نموده‌اند. در این مورد نیز تفاوت فرهنگی، قابل مشاهده است؛ بدین معنی که بر طبق نتایج پژوهش‌های انجام شده در جوامع غربی، زنان گرچه سرمایه‌گذاری بیشتری بر روی بدنشان انجام می‌دهند، با این حال رضایت کمتری از تصویر بدن گزارش می‌کنند (هارگرویز و تیگه مان، ۲۰۰۶؛ ۵۶۸). شاید مهم‌ترین دلیل این تفاوت فرهنگی، مربوط به وجود انتظارات اجتماعی شدید راجع به بدن ایده‌آل برای زنان و نیز درونی کردن آن توسط زنان و دختران در جوامع غربی باشد که سبب می‌گردد حتی با مقادیر بالای سرمایه‌گذاری بدن، هنوز هم آنان احساس کنند که بین بدن واقعی و بدن ایده‌آل‌شان فاصله وجود دارد. نتیجه این ارزیابی، بالاتر بودن میزان نارضایتی از تصویر بدن، علی‌رغم سرمایه‌گذاری زیاد بر روی بدن می‌باشد.

نتایج تحلیل رگرسیونی نشان داد که متغیرهای سرمایه‌گذاری بدن و عزت نفس، به همراه پایش بدن و شرم از بدن، هم در بین مردان و هم در بین زنان، توانایی زیادی در پیش‌بینی میزان رضایت‌مندی از تصویر بدن دارند. با این حال، تفاوت جنسیتی معناداری در زمینه اثرگذاری متغیر شرم از بدن در بین زنان

بررسی تفاوت‌های جنسیتی در میزان رضایت‌مندی از تصویر بدن ۲۷

مشاهده گردید؛ بدین معنی که میزان رضایت‌مندی از بدن در بین زنانی که میزان بالاتری از شرم از بدن را گزارش کرده بودند، پایین‌تر بوده است. این یافته پژوهش حاضر، در واقع مهر تأییدی است بر نظریه شیء‌انگاری بدن (فردریکسون و رابرت، ۱۹۹۷) و نیز پژوهش‌های پیشین در این زمینه در بین زنان جوان (مک کینلی و هاید، ۱۹۹۶؛ نول و فردریکسون، ۱۹۹۸؛ سزیمانسکی و هنینگ، ۲۰۰۷) که نشان می‌دهند خود شیء‌انگاری می‌تواند منجر به عادت پایش و واریسی دائم بدن گردد که این عادت به نوبه خود می‌تواند سبب شرم از بدن، نارضایتی از بدن و نیز اختلالات تغذیه در زنان شود. دانیل و بریج (۲۰۱۰؛ ۳۳) با مرور نتایج پژوهش‌های متعدد بر این باورند که یکی از پیامدهای متعدد مرتبط با خود شیء‌انگاری، افزایش میزان شرم از بدن می‌باشد.

با این حال، بر خلاف نتایج پژوهش‌های انجام شده در سایر فرهنگ‌ها (بابلی و ریکاردلی، ۲۰۱۰؛ کارازسیا و همکاران، ۲۰۰۹؛ فن در برگ و همکاران، ۲۰۰۲؛ لو و هو، ۲۰۰۹)، مقایسه صعودی ظاهر، چه در بین مردان و چه زنان ایرانی مورد بررسی، نتوانست به طور معناداری، واریانس میزان رضایت‌مندی از تصویر بدن را تبیین نماید. شاید دور ماندن نسبی مردان و زنان ایرانی از موج تبلیغاتی رسانه‌های غربی در زمینه بدن ایده‌آل (باریک اندامی برای زنان و عضلانی بودن برای مردان) و نیز عدم وجود یا ضعف مدل‌های مردانه و زنانه زیبایی و تناسب اندام در کشور که به ترویج و تبلیغ دائمی بدن و ظاهر ایده‌آل پرداخته و زمینه‌های لازم برای مقایسه بدن مردان و زنان جوان با بدن و ظاهر آن مدل‌ها را فراهم نمایند (مقایسه صعودی)، بتواند تا حدودی این فقدان رابطه بین مقایسه اجتماعی ظاهر و نارضایتی از تصویر بدن را توضیح دهد.

گرچه پژوهش حاضر یافته‌های ارزشمندی برای افزودن به گنجینه پژوهش‌های مربوط به تصویر بدن در یک جامعه غیرغربی فراهم آورده است، اما باید به محدودیت‌های تحقیق نیز اشاره نمود. از جمله؛ تکمیل پرسشنامه‌های محقق ساخته و گزارش‌دهی شخصی پاسخ‌گویان؛ گردآوری داده‌ها از دانشجویان دانشگاه (گروه اجتماعی‌ای که مسائل مربوط به تصویر بدن در بین آن‌ها ممکن است با سایر همسالان غیر دانشگاهی‌شان و نیز غیر همسالان متفاوت باشد) در دانشگاه مازندران (که حدود ۷۵ درصد از دانشجویان بومی استان مازندران بوده‌اند) و به کارگیری شیوه نمونه‌گیری در دسترس به عنوان یک روش نمونه‌گیری غیر تصادفی.

انجام کارهای پژوهشی بیشتر و دقیق‌تر، به منظور دستیابی به فهم عمیق‌تر راجع به مسائل مربوط به تصویر بدن، ضروری است. از آن جا که نمونه تحقیق حاضر محدود به دانشجویان بوده است، پیشنهاد می‌گردد طرح پژوهش حاضر در نمونه متنوع‌تری از مردم، در نقاط مختلف کشور و توسط سایر پژوهش‌گران علاقمند به حوزه جامعه‌شناسی بدن، تکرار گردد. جهت فهم علل عدم ارتباط بین مقایسه اجتماعی ظاهر با نارضایتی از تصویر بدن، انجام پژوهش‌هایی در مقیاس کلان و با نمونه‌هایی متفاوت می‌تواند مفید باشد. در نهایت، پژوهش‌های بعدی باید با در نظر گرفتن سایر متغیرهای اجتماعی- فرهنگی دخیل در مسائل مربوط به تصویر بدن، به ویژه اثرات باورها و رفتارهای مذهبی، رسانه‌های جمعی داخلی و خارجی، خانواده و گروه دوستان، به گسترش دامنه و عمق یافته‌های پژوهشی مدد رسانند. بررسی اثرات فرآیندهای غربی شدن و جهانی شدن بر تصویر بدن جوانان در ایران، به عنوان یک کشور غیر غربی و مسلمان، نیز می‌تواند از جمله‌ی مهم‌ترین متغیرهایی باشد که مورد توجه پژوهش‌گران بعدی قرار می‌گیرد.

منابع

- آزاد ارمکی، تقی و چاووشیان، حسن (۱۳۸۱) بدن به مثابه رسانه هویت. مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره ۴، ش ۴: ۷۵-۵۷.
- آقاخانی، نادر و همکاران (۱۳۸۵) بررسی تصویر ذهنی از جسم و اعتماد به نفس در دانش‌آموزان دبیرستان‌های ارومیه، مجله پزشکی ارومیه، سال ۱۷، ش ۴: ۲۵۹-۲۵۴.
- ابراهیمی، قربانعلی و بهنوی گدونه، عباس (۱۳۸۹) سرمایه فرهنگی، مدیریت ظاهر و جوانان، زن در توسعه و سیاست، دوره ۸، ش ۳: ۱۷۶-۱۵۳.
- امیدوار، نسرین و همکاران (۱۳۸۱) تصویر ذهنی بدن و ارتباط آن با نمایه توده بدنی و الگوی مصرف مواد غذایی در نوجوانان شهر تهران، پژوهش در پزشکی (مجله پژوهشی دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی)، سال ۲۶، ش ۴: ۲۶۴-۲۵۷.
- بسنک نژاد، سودابه و غفاری، مجید (۱۳۸۶) رابطه بین ترس از بد ریختی بدنی و اختلالات روان شناختی در دانشجویان، مجله علوم رفتاری، دوره ۱، ش ۲: ۱۸۷-۱۷۹.
- خواجه نوری، بیژن و مقدس، علی اصغر (۱۳۸۸) رابطه بین تصور از بدن و فرآیند جهانی شدن؛ مطالعه موردی زنان شهرهای تهران، شیراز و استهبان، جامعه‌شناسی کاربردی، سال بیستم، ش ۱: ۲۴-۱.
- ذکایی، محمد سعید (۱۳۸۶) جوانان، بدن و فرهنگ تناسب، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، سال اول، ش اول: ۱۴۱-۱۱۷.
- زرشناس، ساره و همکاران (۱۳۸۹) تأثیر ورزش هوازی بر نگرش زنان در مورد تصویر بدنی، مجله توانبخشی، دوره ۱۱، ش ۲: ۲۰-۱۵.

بررسی تفاوت‌های جنسیتی در میزان رضایت‌مندی از تصویر بدن ۲۹

شمس‌الدین سعید، ناهید و همکاران (۱۳۸۸) ارتباط تصویر ذهنی از بدن با اختلالات خوردن، پژوهش پرستاری، دوره ۴، ش ۱۵: ۳۳-۴۳.

صفوی، محبوبه؛ محمودی، محمود و روشندل، اعظم (۱۳۸۸) بررسی تصویر ذهنی از جسم و ارتباط آن با اختلالات خوردن در دانشجویان دختر دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، مجله علوم پزشکی دانشگاه آزاد اسلامی، دوره ۱۹، ش ۲: ۱۳۴-۱۲۹.

طلایی، علی و همکاران (۱۳۸۸) ارزیابی الگوی علامتی و فراوانی اختلال بدشکلی بدن در بین دانشجویان، مجله دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی مشهد، سال ۵۲، ش ۱: ۴۹-۵۶.

طوسی، پرویز و همکاران (۱۳۸۶) بررسی ۱۱۶ متقاضی تزریق بوتولیموم توکسین مراجعه کننده به کلینیک‌های خصوصی شهر تهران، فصلنامه بیماری‌های پوست، دوره ۱۰، ش ۲: ۱۲۹-۱۲۵.

فاتحی، ابوالقاسم و اخلاصی، ابراهیم (۱۳۸۷) مدیریت بدن و رابطه‌ی آن با پذیرش اجتماعی بدن، مطالعات راهبردی زنان، سال ۱۱، ش ۴۱: ۹-۴۲.

گنجی، حمزه (۱۳۸۱) ارزشیابی شخصیت (پرسشنامه‌ها)، تهران، نشر ساوالان.

محمدی، نوراله و سجادی نژاد، مرضیه سادات (۱۳۸۶) ارزیابی شاخص‌های روان سنجی پرسشنامه نگرانی درباره تصویر بدنی و آزمون مدل ارتباطی شاخص توده بدنی، نارضایتی از تصویر بدنی و عزت نفس در دختران نوجوان، مطالعات روان شناختی، سال ۳، ش ۱: ۸۳-۹۹.

Abbott, Bree D. & Barber, Bonnie L. (2010) Embodied image: Gender differences in functional and aesthetic body image among Australian adolescents, *Body Image*, 7; 22-31.

Abdollahi, Panteha & Mann, Traci. (2001) Eating Disorder Symptoms and Body Image Concerns in Iran: Comparisons between Iranian Women in Iran and in America, *International Journal of Eating Disorder*, 30: 259-268.

Akiba, Daisuke (1998). Cultural Variations in Body Esteem: How Young Adults in Iran and the United States View Their Own Appearances, *The Journal of Social Psychology*, 138(4): 539-540.

Bailey, Shannon D & Ricciardelli, Lina A. (2010) Social comparisons, appearance related comments, contingent self-esteem and their relationships with body dissatisfaction and eating disturbance among women, *Eating Behaviors*, 11: 107-112.

Bardone-Cone, Anna M., Cass, Kamila M., & Ford Jennifer A. (2008) Examining body dissatisfaction in young men within a biopsychosocial framework, *Body Image*, 5: 183-194.

Calogero, Rachel M. & Thompson, J. Kevin (2009) Potential implications of the objectification of women's bodies for women's sexual satisfaction, *Body Image*, 6: 145-148.

- Cash, T. F.** (2000) The multidimensional Body-self relations questionnaire MBSRQ users' manual, Third Revision, Available at; www.bodyimage.com.
- Cash, T. F.** (2002) Cognitive-behavioral perspectives on body image. In T. F. Cash & T. Pruzinsky (Eds.), *Body image: A handbook of theory, research, and clinical practice* (pp. 38–46). New York: Guilford Press.
- Cash, T. F., Ancis, J. R., & Strachan, M. D.** (1997) Gender attitudes, feminist identity, and body images among college women. *Sex Roles*, 36(7/8): 433-447.
- Cash, T.F., Green, G.K.** (1986) Body weight and body image among college women: perception, cognition, and affect. *Journal of Personality Assessment*, 50: 290–301.
- Chen, H., & Jackson, T.** (2008) Prevalence and sociodemographic correlates of eating disorder endorsements among adolescents and young adults from China. *European Eating Disorders Review*, 16: 375–385.
- Clarke, Laura Hurd & Griffin, Meridith** (2008) Failing Bodies: Body Image and Multiple Chronic Conditions in Later Life, *Qualitative Health Research*, Volume 18 Number 8: 1084-1095.
- Daniel, Samantha & Bridges, Sara K.** (2010) The drive for muscularity in men: Media influences and objectification theory, *Body Image*, 7: 32–38.
- Duncan, M. J., Al-Nakeeb, Y., Nevill, A. M., & Jones, M. V.** (2006) Body dissatisfaction, body fat and physical activity in British children. *International Journal of Pediatric Obesity*, 1: 89–95.
- Franzoi, S. L.** (1995) The body-as-object versus the body-as process: Gender differences and gender considerations. *Sex Roles*, 33(5/6); 417-437.
- Fredrickson, B. L. & Roberts, T.** (1997) Objectification theory: toward understanding women's lived experiences and mental health risks. *Psychology of Women Quarterly*, 21: 173–206.
- Fredrickson, B. L., et al.**, (1998) That swimsuit becomes you: Sex differences in self-objectification, restrained eating, and math performance. *Journal of Personality and Social Psychology*, 75: 269-284.
- Grilo, Carlos M. et al.** (1994) Teasing, body image, and self-esteem in a clinical sample of obese women, *Addictive Behaviors*, 19(4): 443-450.
- Grippio, Karen P. & Hill, Melanie S.** (2008) Self-objectification, habitual body monitoring, and body dissatisfaction in older European American women: Exploring age and feminism as moderators, *Body Image*, 5: 173–182.
- Grogan, S.** (1999) *Body image: Understanding body dissatisfaction in men, women and children*. London: Routledge.
- Halliwell, Emma & Dittmar, Helga** (2005) The role of self-improvement and self-evaluation motives in social comparisons with idealized female bodies in the media, *Body Image*, 2: 249–261.

- Hargreaves, Duane A. & Tiggemann, Marika** (2006) Body Image Is for Girls? A Qualitative Study of Boys' Body Image, *Journal of Health Psychology*, 2006 Vol 11(4): 567–576.
- Holsen, I. & Kraft, P. & Røysamb, E.** (2001) The Relationship between Body Image and Depressed Mood in Adolescence: A 5-year Longitudinal Panel Study, *Journal of Health Psychology*, 6(6): 613-627.
- Jung, Jaehee & Lennon, Sharron J.** (2003) Body Image, Appearance Self-Schema, and Media Images, *Family and Consumer Sciences Research Journal*, Vol. 32, No. 1: 27-51
- Karazsia, Bryan T. & Crowther, Janis H.** (2009) Social body comparison and internalization: Mediators of social influences on men's muscularity-oriented body dissatisfaction, *Body Image*, 6: 105–112.
- Kennedy, M. A., Templeton, L., Gandhi, A., & Gorzalka, B. B.** (2004) Asian body image satisfaction: Ethnic and gender differences across Chinese, Indo-Asian, and European-Descent students. *Eating Disorders*, 12: 321–336.
- Kim, Jung-Hwan & Lennon, Sharron J.** (2007) Mass Media and Self-Esteem, Body Image, and Eating Disorder Tendencies *Clothing & Textiles Research Journal* Volume 25 Number 1: 3-23.
- Lee, A. M., & Lee, S.** (1996) Disordered eating and its psychosocial correlates among Chinese adolescent females in Hong Kong. *International Journal of Eating Disorders*, 20: 177–183.
- Liechty, Toni, Freeman, Patti A. & Zabriskie, Ramon B.** (2006) Body Image and Beliefs about Appearance: Constraints on the Leisure of College-Age and Middle-Age Women, *Leisure Sciences*, 28: 311–330.
- Lu, Hung-Yi & Hou, Hsin-Ya** (2009) Testing a model of the predictors and consequences of body dissatisfaction, *Body Image*, 6: 19–23.
- McArthur, L. H., Holbert, D., & Pena, N.** (2005) An exploration of the attitudinal and perceptual dimensions of body image among male and female adolescents from six Latin American cities. *Adolescence*, 40: 801–816.
- McCabe, Marita P. et al.,** (2009) Body image and body change strategies among adolescent males and females from Fiji, Tonga and Australia, *Body Image*, 6: 299–303
- McKinley, N. M. & Hyde, J. S.** (1996) The Objectified Body Consciousness Scale: Development and Validation, *Psychology of Women Quarterly*, 20: 181-215.
- McKinley, N. M.** (1998) Gender differences in undergraduates' body esteem: The mediating effect of objectified body consciousness and actual/ideal weight discrepancy. *Sex Roles*, 39: 113–123.
- Mellor, D., Ricciardelli, L., McCabe, M., Yeow, J., Daliza, N., & Binti Mohd Hapidzal, F.** (2009) Sociocultural influences on body dissatisfaction and body change behaviours among Malaysian adolescents. *Body Image*, 6: 121–128.

- Mintz, L. B. & Kashubeck, S.** (1999) Body image and disordered eating among Asian American and Caucasian college students: An examination of race and gender differences. *Psychology of Women Quarterly*, 23: 781–796.
- Muth, J. L., & Cash, T. F.** (1997) Body image attitudes: What difference does gender make? *Journal of Applied Social Psychology*, 27: 1438–1452.
- Nobakht, Minoos & Dezhkam, Mahmood** (2000) An Epidemiological Study of Eating Disorders in Iran, *International Journal of Eating Disorder*, 28: 265–271.
- Noll, S. N., & Fredrickson, B. L.** (1998) A mediational model of linking self-objectification, body shame, and disordered eating. *Psychology of Women Quarterly*, 22: 623–636.
- O'Brien, Kerry S. et al.** (2009) Upward and downward physical appearance comparisons: Development of scales and examination of predictive qualities, *Body Image*, 6: 201–206.
- Orbach, S.** (1993) *Hunger strike: The anorectic's struggle as a metaphor for our age.* London: Penguin.
- Rastmanesh, R., Gluck, M. E. & Shadman, Z.** (2009) Comparison of Body Dissatisfaction and Cosmetic Rhinoplasty with Levels of Veil Practicing in Islamic Women, *International Journal of Eating Disorder*; 42: 339–345.
- Ricciardelli, L. A., & McCabe, M. P.** (2004) A biopsychosocial model of disordered eating and the pursuit of muscularity in adolescent boys, *Psychological Bulletin*, 130: 179–205.
- Rieger, E., Touyz, S. W., Swain, T., & Beumont, P. J. V.** (2001) Cross-cultural research on anorexia nervosa: Assumptions regarding the role of body weight. *International Journal of Eating Disorders*, 29: 205–215.
- Rudd, N. A., & Lennon, S. J.** (2000) Body image and appearance-management behaviours in college women. *Clothing and Textiles Research Journal*, 18:152–162.
- Shih, Ming-Ying & Kuboa, Chiharu** (2002) Body shape preference and body satisfaction in Taiwanese college students, *Psychiatry Research*, 111: 215–228.
- Smolak, Linda & Stein, Jonathan A.** (2006) The relationship of drive for muscularity to sociocultural factors, self-esteem, physical attributes gender role, and social comparison in middle school boys, *Body Image*, 3:121-129.
- Szymanski, D. M., & Henning, S. L.** (2007) The role of self-objectification in women's depression: A test of objectification theory. *Sex Roles*, 56, 45–53.
- iggemann, M.** (2004) Body image across the adult life span: Stability and change. *Body Image*, 1: 29–41.
- Van den Berg, Patricia. Et al,** (2002) The Tripartite Influence model of body image and eating disturbance A covariance structure modeling investigation testing the mediational role of appearance comparison, *Journal of Psychosomatic Research*, 53: 1007– 1020.

بررسی تفاوت‌های جنسیتی در میزان رضایت‌مندی از تصویر بدن ۳۳

Weiss, M. G. (1995) Eating disorders and disordered eating in different cultures. *The Psychiatric Clinics of North America*, 18: 537–553.

Xua, Xiaoyan, et al., (2010) Body dissatisfaction, engagement in body change behaviors and sociocultural influences on body image among Chinese adolescents, *Body Image*, 7:156–164.

